

## نگاهی به آثار و افکار شیخ سید عبدالقادر بلخی

نورگل کینا\*، علیرضا حاجیان‌نژاد\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۵ (صفحه: ۱۵۷-۱۷۰)

**چکیده:** افغانستان کنونی خاستگاه مهم شعر و ادب فارسی است، که در تاریخ ادبیات فارسی درخشیده است. شیخ سید سلیمان بلخی و پسرش شیخ سید عبدالقادر بلخی از دانشمندان و شاعران سده سیزدهم هجری اند که در قندوز می‌زیستند. آنها، به سبب اوضاع نابسامان زمانه، نخست به نیت حج از بلخ به سوی بغداد هجرت کردند، ولی در بغداد از حج منصرف شدند و به سمت قونیه و از آنجا به استانبول کوچ کردند. عبدالقادر بلخی تحصیلات اولیه خود را نزد پدرش سپری کرد و در ترکیه از محضر سید بکیر رشاد بهره گرفت و جانشین وی در طریقت و فرقه نقشبندیه و حمزویه شد. وی، علاوه بر هدایت معنوی، آثاری به نظم به زبان فارسی و جغتایی سروده است، که تعدادی از آنها به چاپ رسیده و برخی از آنها همچنان به صورت دست‌نویس باقی است. آثار وی عبارت‌اند از ینابیع الحکم، کنوز العارفین، گلشن اسرار، اسرار التوحید، شمس رخشان، دیوان، سنوحات الهیه و الهامات ربانیه.

\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران (nurgulkina@ardahan.edu.tr)

\*\* دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران (hajiannd@ut.ac.ir)

کلیدواژه‌ها: شیخ سید سلیمان بلخی، شیخ سید عبدالقادر بلخی، حمزویه، نقشبندیه، دیوان.

### ۱ مقدمه (معرفی خاندان بلخی)

سید شیخ سلیمان بن شیخ ابراهیم محمد خواجه کلان بن شیخ محمد بابا خواجه حسین بلخی قندوزی، از علمای قرن سیزدهم و از نوادگان سادات حسینی<sup>۱</sup> بود. پدر سید سلیمان، برهان‌الدین قلیچ خان، صاحب کتاب المفتاح، گویا صاحب تخت و تاج بوده و مدتی در قندوز و بدخشان حکومت داشته است. سید سلیمان در سال ۱۲۲۰ق/ ۱۸۰۵م در روستای چال در نزدیکی خانقاه، از توابع شهر قندوز بلخ، به دنیا آمد (اؤز: ۱۸۵؛ قندوزی حنفی: ۳۱، ۳۹).

وی مراتب آغازین علم و ادب را در بلخ فرا گرفت و تحصیلات خویش را در بخارا<sup>۲</sup> کامل کرد و به اجازه‌هایی از بزرگان بخارا دست یافت. در سال ۱۲۵۹ق/ ۱۸۴۳م به هندوستان مهاجرت کرد و به مدت سه سال در دهلی ساکن شد و به تحصیل علوم غربی پرداخت (Öz 2: 204).

سلیمان بلخی در ۱۲۶۹ق/ ۱۸۵۳م به همراه خانواده‌اش، از راه ایران و عراق، به سمت آناتولی حرکت کرد و در سال ۱۲۷۶ق/ ۱۸۵۹م راهی قونیه شد (قندوزی حنفی: ۳۹؛ Gölpınarlı 1: 182). داستان این مهاجرت که سختی‌های بسیاری به همراه داشته در بعضی از منابع این‌گونه ذکر شده است: بین سال‌های ۱۲۵۳ تا ۱۲۵۸ق/ ۱۸۳۷ تا ۱۸۴۲م، انگلیس و افغانستان امروزی در حال جنگ با یکدیگر بودند. با مداخلهٔ ازبک‌ها، جنگ علیه انگلیسی‌ها با تفاهم‌نامه‌ای بین دو کشور به پایان رسید. بلافاصله بعد از جنگ، رقابت و درگیری امیران بر سر پادشاهی و نبردهای داخلی در افغانستان صورت گرفت. در پی این اوضاع، افغانستان دچار بی‌ثباتی شد. زمانی که سلیمان بلخی در بزرگ‌ترین خانقاه‌های افغانستان شیخ بود، تحمل اوضاع کشور برای او ناممکن شد و تصمیم به مهاجرت گرفت (Aydın: 306, 307).

۱. برخی از محققان، نسب سید سلیمان بلخی را به خلیفهٔ اول، ابوبکر، نسبت داده‌اند (Kocü: 119 →).

۲. در بعضی منابع، اتمام دورهٔ تحصیلات سلیمان بلخی در بدخشان به ثبت رسیده است (Yücer: 252).

در یکی از آثار برهان‌الدین بلخی، با عنوان دفتر قیودات<sup>۱</sup>، آمده است که حضرت سلیمان بلخی یک شب در رؤیا حضرت امام حسین<sup>ع</sup> را می‌بیند. ایشان به سلیمان اشاره می‌فرمایند که به آناتولی برو و وی، طبق این فرمایش معنوی، در سال ۱۲۶۸ق/ ۱۸۵۱م قصد هجرت می‌کند؛ اما زمانی که مریدان شیخ سلیمان بلخی از تصمیم وی خبردار می‌شوند، اعلام نارضایتی می‌کنند. فرمانداران قندوز و بدخشان نیز برای منصرف کردن سید سلیمان بلخی سفیرانی را به حضور او می‌فرستند. به همین سبب نیز سلیمان مهاجرت خود را یک سال به تأخیر می‌اندازد (Bellî, Burhâneddin: 5, 6). پس از آن، با استناد به اینکه «هجرت سنت پیامبر است»، تصمیم خود را عملی کرد (Altıntaş →) و در سال ۱۸۵۳/۱۲۶۹<sup>۲</sup>، پس از وقف اموال و دارایی‌اش، با قافله‌ای به همراه نزدیکان و مریدانش، به قصد حج، از بلخ خارج شد (Bellî, Burhâneddin: 6).

سه همسر وی، سیده سعیده (وفات: ۱۳۱۱ق/ ۱۸۹۳م)، دختر محمد مؤمن فرزانه؛ سیده ایکوزو (وفات: ۱۲۸۴ق/ ۱۸۶۷م)، دختر فرزانه ماناس؛ و سیده بگومجان<sup>۳</sup>؛ و نیز فرزندانش، غلام قادر (سید عبدالقادر بلخی)، احمد سعید، محمد بهاء‌الدین باب‌الحق بلخی، آیجان، محمد برهان‌الدین بلخی (قلیچ) و ساجده در این سفر همراه وی بودند<sup>۴</sup>. محمد برهان‌الدین بلخی در مثنوی خود شرح این سفر را آورده است (Bellî 2: 12). ظاهراً در حین سفر دو فرزند دیگر نیز به دنیا آمده‌اند: محمدعلی در شهر خانقین عراق و فاطمه زهرا در شهر حلب (Öz 1: 162).

سلیمان بلخی به همراه خانواده و مریدانش، از مرز ماوراءالنهر وارد ایران شدند (قندوزی حنفی: ۴۱) و برای زیارت امام رضاً به مشهد رفتند. در سال ۱۲۷۰ق راهی بغداد شدند و سلیمان مورد تکریم استاندار آنجا قرار گرفت. سپس، برای زیارت حضرت علی<sup>ع</sup>، عازم نجف و بعد، به قصد زیارت امام حسین<sup>ع</sup>، راهی کربلا شدند (Gölpınarlı 2: 368, fn. 19; Öz 1: 160, 162).

۱. دفتر قیودات نسخه‌ای است بدون جلد شامل ۱۵۰ صفحه، که به خط تعلیق و نسخ نگاشته شده و در پاکتی به ابعاد متوسط نگهداری می‌شود. این دفتر در دانشگاه سلجوق، در کتابخانه مرکز بررسی‌های سلجوقی به شماره Y 56 محفوظ است (اؤز: ۱۸۶؛ Bellî, Burhâneddin: 1).

۲. سال مهاجرت او در منابع به تفاوت ذکر شده است؛ از جمله ← اؤز: ۱۸۵؛ Gölpınarlı 1: 182؛ Azamat: 231؛ Kurnaz: 166.

۳. در برخی منابع از او با عنوان سیده آیجان نام برده شده است (Bellî 1: 3 →).

۴. برخی منابع نام دو دختر نیز برای او ذکر کرده‌اند: بی‌بی ساجده (وفات: ۱۲۷۲ق) و آیجان بی‌بی (وفات: ۱۲۸۲) (Bellî 1: 3 →).

سلیمان بلخی، در این میان، با مبلغان مذهب شیعه ملاقات کرد و به همراه چند تن از افراد قافله به مذهب امامیه درآمد (آقا بزرگ طهرانی: ۲۹۰).

در برخی منابع آمده که میان سید سلیمان بلخی و سید محمدتقی طباطبائی مکاتبائی بوده که اسناد آنها در کتابخانه مرکز بررسی‌های سلجوقی در دانشگاه سلجوق و در کتابخانه عبدالباقی گولپینارلی در موزه مولانا محفوظ است. بر اساس این اسناد (سه سند عربی)، وقتی سلیمان بلخی در ایران و عراق حضور داشته، به واسطه سید محمدتقی طباطبائی به مذهب تشیع امامیه روی آورده است (Belhî, Burhâneddin: 10)؛ چرا که وی از خاندان سادات و دوستدار اهل بیت<sup>ع</sup> بود. اما اینکه سلیمان بلخی در استانبول تا چه حد از مذهب و اعتقادات خود برای دیگران بازگو کرده هیچ اطلاعی در دست نیست.

به گفته موسی دانش و سید حبیب‌الله احمدپناه، شیخ سید سلیمان بلخی از بزرگان مکتب فقه حنفیه در فروع و از ارکان طریقت نقشبندیه بود (قندوزی حنفی: ۳۱، ۴۱، ۴۳، ۴۹). در کتاب دفتر قیودات آمده است که، به رغم شیعه بودن خانواده بلخی، آنها را به فرقه‌ای از مذهب اهل تسنن نیز منتسب دانسته‌اند و حضرت سید عبدالقادر بلخی را هم به فرقه حمزویان نسبت داده‌اند. بر اساس اسناد موجود، می‌توان فهمید سید سلیمان بلخی و عبدالقادر بلخی از فرقه حنفی به تشیع و از تشیع به طریقت مولویه و در آخر هم به فرقه حمزویان روی آورده‌اند (Belhî, Burhâneddin: III, IV, V, IV).

زمانی که قافله سلیمان بلخی در بغداد بود، خبر پایان یافتن جنگ عثمانی - روسیه (۱۸۵۲-۱۸۵۶م) به او رسید و او، با شنیدن این خبر، سفر حج را به تعویق انداخت و همراه با قافله خود، ضمن گذر از موصل، دیاربکر، اورفا و حلب، به آناتولی رفت. عبور آنان از این شهرها بیش از سه سال طول کشید و در سال ۱۲۷۴ق / ۱۸۵۷م<sup>۱</sup> به قونیه رسیدند (Öz 1: 160).

سید سلیمان بلخی و همراهانش، با دعوت‌نامه‌ای رسمی از سوی سلطان عبدالعزیز (۱۲۷۸-۱۲۹۳ق / ۱۸۶۱-۱۸۷۶م)، در سال ۱۲۷۸ق / ۱۸۶۱م از بورسا به استانبول مهاجرت

۱. در بعضی از منابع، تاریخ مهاجرت خانواده بلخی به قونیه ۱۲۷۶ق / ۱۸۵۹م ثبت شده است (ERQUIN: 229-230; Velioglu: 422).

کردند (اؤز: ۱۸۶؛ قندوزی حنفی: ۴۱). در بعضی منابع آورده‌اند که آنان در ۱۲۷۸ق/ ۱۸۶۱م از قونیه به بورسا و در ۱۲۸۳ق/ ۱۸۶۶م از بورسا به استانبول مهاجرت کرده‌اند (YÜCER: 253). بعضی نیز تاریخ عزیمت خانواده بلخی را به استانبول ۱۲۸۱ق/ ۱۸۶۴م بیان کرده‌اند (GÖLPINARLI 1: 182). درباره علل مهاجرت خاندان بلخی در بعضی منابع آمده که، علاوه بر شورش سیاسی - اجتماعی که عامل اصلی این هجرت بود، دلیل دیگر خوابی بود که عبدالقادر بلخی در دوران کودکی در بلخ دیده بود و این خواب در بورسا نیز تکرار شده بود. بعضی منابع، دیدن این خواب را در قونیه و برخی در بلخ گزارش کرده‌اند؛ بعضی منابع نیز آورده‌اند که وی در قونیه شیخ سید بکیر رشاد، مرشد طریقت بایرامیه در قرن نوزدهم، را در خواب دیده بود (Belhî 2: 14). عبدالباقی گولپینارلی به نقل از معلم عارف مقدونی، این حکایت را بدین گونه شرح می‌دهد:

زمانی که عبدالقادر بلخی در قونیه به سر می‌برد، ابراهیم بابا ولی (وفات: ۱۲۶۴ق)، مرشد طریقت حمزویه و ملامتیه، دار فانی را وداع گفت و بعد از او، شیخ سید بکیر رشاد به جانشینی وی منصوب شد. شبی در خواب، سید عبدالقادر بلخی سید بکیر رشاد را در حالی که از وی تعلیم معنوی می‌آموخت مشاهده کرد. همچنین سید بکیر رشاد در این خواب به اصرار از وی می‌خواست تا، بدون اتلاف وقت، راهی استانبول شود. بعد از مشاهده چندین باره این خواب، آن را برای پدر خود بازگو کرد؛ تا جایی که در نتیجه این خواب‌ها، خانواده بلخی از قونیه راهی بورسا می‌شوند تا از طریق بورسا به استانبول بروند. بعد از اینکه کاروان به بورسا رسید، عبدالقادر بلخی بار دیگر بکیر رشاد را در خواب دید. خبر دعوت سلیمان بلخی توسط سلطان عبدالعزیز به استانبول نیز در این حین به گوش آنها رسید. در استانبول، عبدالقادر بلخی در پی یافتن سید بکیر رشاد به ندای درونی خویش گوش سپرد و به سمت محله فاتح به راه افتاد و پدرش را نیز با خود همراه کرد. زمانی که به نزدیکی سرای بکیر رشاد رسیدند، عبدالقادر بلخی، تحت تأثیر الهامات معنوی، به سمت در حرکت کرد؛ در همان لحظه در گشوده شد و سید بکیر رشاد، همچون آشنایی دیرینه، به استقبال آن دو شتافت. سید بکیر رشاد، رؤیای سید عبدالقادر را تحقق بخشید و او را به شاگردی پذیرفت (Gölpınarlı 1: 182-183).

سید سلیمان، به همراه خانواده‌اش، مدت شانزده سال در استانبول ماند و شاگردان

بسیاری تربیت کرد و آثار ارزشمندی نگاشت (قندوزی حنفی: ۴۵؛ ۱۷: Belhî, Burhâneddin). بعد از معزول شدن آقا فیض الله مثنوی خوان از مسند مرشدی نقشبندیه در درگاه شیخ مراد بخاری، سلیمان بلخی به این سمت منصوب شد (IŞIN: 44).

سلیمان بلخی به زبان‌های عربی، فارسی و جغتایی تسلط داشت (Gölpınarlı 3: 267) و از وی آثاری چون إجماع الفوائد، مشرق الأکوان، غبطة الأمان، ینابیع المودة و إعجاز القرآن به زبان عربی به جا مانده است (İNAL: 182; YÜCER: 253).

او در روز پنج‌شنبه ششم رمضان سال ۱۲۹۴ / ۱۶ آگوست ۱۸۷۷، ساعت سه بامداد، در ۷۴ سالگی، دار فانی را وداع گفت و در مقبره درگاه شیخ مراد بخاری به خاک سپرده شد (اؤز: ۱۸۶؛ ۱۷، ۱۹: Belhî, Burhâneddin). همسر او، بی‌بی سعیده خانم (مادر سید عبدالقادر) نیز در سال ۱۳۱۱ ق / ۱۸۹۳ م در استانبول از دنیا رفت و در آرامگاه درگاه شیخ مراد دفن شد. بسیاری از منابع محل دفن شیخ بلخی و خانواده‌اش را در پشت نرده‌های درگاه شیخ مراد بخاری یعنی در محوطهٔ مُشجر آرامگاه می‌دانند، که البته اکنون هیچ علامتی از قبر آنها وجود ندارد (ÖZEMRE: 107, fn. 92; Belhî 2: 16).

سید عبدالقادر بلخی فرزند ارشد سید سلیمان و جانشین او در طریقت نقشبندیه و حمزویه بود که در ادامه به شرح احوالش پرداخته خواهد شد.

## ۲ سید عبدالقادر بلخی

عبدالقادر بلخی در سال ۱۲۵۵ ق / ۱۸۳۹ م، در مسجد صوفی در قریه‌ای در خانقاه، از توابع شهر قندوز، در نزدیکی‌های بلخ به دنیا آمد (ÖZEMRE: 104). نام اصلی او غلام قادر ثبت شده، اما بعد از مهاجرت و اقامت در استانبول، به شیوه و رسم مردم آن شهر، او را عبدالقادر نامیدند (Gölpınarlı 1: 181). به گفتهٔ حسین و صاف، از یاران نزدیک عبدالقادر بلخی، وی دو همسر به

۱. در بعضی از منابع آمده که سلیمان بلخی در نتیجهٔ بیماری روانی در گذشته است (Öz 1: 163)؛ بعضی منابع هم حال و هوای استغراق بلخی را به عنوان یک بیماری روانی معرفی کرده‌اند (ER: 445).

نام‌های حنیفه و فاطمه داشته، که فاطمه خانم در سال ۱۳۰۶ق/ ۱۸۸۸م از دنیا رفت و در آرامگاه درگاه شیخ مراد بخاری به خاک سپرده شد (ER: 462).

در تعداد و نام فرزندان او نیز در منابع اختلاف است. بعضی از منابع فرزندان او را به این صورت ذکر کرده‌اند: سید احمد مختار، سید نظام‌الدین، سید مصطفی نورالدین، سید بهجت عبدالباقی، سید محمد حبیب‌الله، سید علی سیف‌الله و چهار دختر به نام‌های سیده عالیه کبری، سیده عالیه صغری، سیده مومنه زهرا و سیده خدیجه فوزیه (Bellî, Burhâneddin: 34; Evli: 12).

شجره‌نامه سید عبدالقادر بلخی در منابع مختلف آمده است. به گفته احمد یوکسل اوزامر، سید عبدالقادر بلخی در منابع حکم از شجره‌نامه خود سخن گفته و خود را از نسل امام محمد تقی<sup>ع</sup> و به ترتیب، از امامان پیش از ایشان و در نهایت امام حسین<sup>ع</sup> و رسول اکرم<sup>ص</sup> دانسته (ÖZEMRE: 104) و سادات الحسینی بودن خود را به این صورت بیان کرده است: «ببین بعضی مناقب و اوصاف پدر بزرگوارم انعی حضرت شیخ سید سلیمان البلخی القندوزی الخانقاهی قدس سره که از اجله سادات حسینی‌هاند و سلالة طاهره ...» (Bellî 1: 11). شجره‌نامه وی به این صورت است: سید عبدالقادر بلخی، سید سلیمان، سید ابراهیم خواجه کلان، سید بابا، سید ابراهیم، سید محمد معروف، سید ترسون باقی، سید غلام‌الدین، سید نصرالدین، سید جمال‌الدین، سید برهان‌الدین قلیچ، سید کمال‌الدین، شاه حسن، شاه حسین، سید محمد، سید احمد، سید عبدالله، سید عبدالله مفضل، سید عبیدالله، سید طالب، سید احمد اعرج، سید احمد، سید مسلم مبرقع، امام محمد تقی<sup>ع</sup>، امام علی بن موسی الرضا<sup>ع</sup>، امام موسی کاظم<sup>ع</sup>، امام جعفر صادق<sup>ع</sup>، امام محمدباقر<sup>ع</sup>، امام علی<sup>ع</sup> (زین‌العابدین)، امام حسین<sup>ع</sup>، امام علی بن ابی طالب<sup>ع</sup>، حضرت محمد مصطفی<sup>ص</sup> (Gölpınarlı 1: 182, 181). برهان‌الدین قهرمان نیز آورده که شجره‌نامه خانواده بلخی در کتابخانه سلیمانیه مجموعه درگاه آقا طاهر، به شماره ۷ محفوظ است (KAHRAMAN: 677; 688, fn. 15). همچنین به گفته برهان‌الدین قهرمان، یوسف اوز، عالیه اوزونلار و آرزو مرال، این شجره‌نامه در ردیف شماره ۱۳۶۳ بخش نسخ دست‌نویس اهدایی کتابخانه سلیمانیه موجود است و در آن آمده که اثر سید سلیمان بلخی با عنوان غبطة الأمان به قلم سید برهان‌الدین بلخی به نگارش درآمده است

به گفته یوسف اؤز، شجره‌نامه سید عبدالقادر بلخی، علاوه بر ینابیع الحکم، در مجموعه دفتر مثنوی برهان‌الدین قلیچ نیز درج شده است (Öz 1: 160; 161, fn. 3).

عبدالقادر بلخی، پس از هجرت و اقامت در قونیه، نزد پدرش به فراگیری علوم دینی، عربی و فارسی پرداخت و سپس فتوحات مکیه محیی‌الدین ابن عربی را به طور کامل خواند (Belhî 2: 11, 13). در منبع دیگری آمده است که عبدالقادر بلخی برخی آثار شیخ اکبر محیی‌الدین ابن عربی را به خط خود کتابت کرده است (Gölpınarlı 1: 182). وی، پس از فوت پدرش، مرشد نقشبندیه و ملامتیه حمزویه، و در سال ۱۲۹۴ ق / ۱۸۷۷ م، در سی و نه سالگی، مرشد درگاه شیخ مراد بخاری در ایوب نشانجی شد (Belhî, Burhāneddin: 25) و تا زمان مرگش (۱۳۴۱ ق / ۱۹۲۳ م)، به مدت ۴۶ سال، در درگاه شیخ مراد بخاری مرشد طریقت نقشبندیه - ملامتیه<sup>۱</sup> بود (Gölpınarlı 1: 181).<sup>۲</sup> او در این مدت، افراد زیادی را به طریقت حمزویه فراخواند و، در نتیجه فعالیت‌های مؤثر و رضایت‌بخش در این درگاه، به «سید بلخی» عصر خویش ملقب شد (Tanman: 514).

همچنین وی در استانبول به خدمت سید بکیر رشاد رسید و مدت یازده سال از مریدان او بود (Belhî 2: 15). آداب طریقت حمزویه و ملامتیه را از وی آموخت و، بعد از وفات سید بکیر رشاد، لقب «قطب» گرفت (Gölpınarlı 3: 266).

او از اظهار نیاز به غیر حق پرهیز داشت و تنها به درگاه شیوخی می‌رفت که به ملاقات وی می‌آمدند. او به این شیوه زندگی صوفیانه خو گرفته بود (idem 1: 182, 183).

عبدالقادر بلخی، در سه سال پایانی عمر خود، اختیار از کف داد و مغلوب عشق الهی شد، به طوری که میل سخن گفتن با کسی نداشت (Koçu: 119). او در سال ۱۳۴۱ ق / ۱۹۲۳ م، در ۸۴ سالگی، چشم از جهان فرو بست. به گفته حسین وصاف، از یاران نزدیک

۱. بنا به گفته برخی محققان، در هم آمیختن دو طریقت ملامتیه و نقشبندیه در «عصر لاله» (دوران اصلاحات در امپراتوری عثمانی، ۱۷۱۸-۱۷۳۰ م) شکل گرفت و باعث گسترش نوعی مفهوم تصوفی، مخصوص اقشار خاص عثمانی، شد. البته در مقدمه دفتر قیودات آمده است که طریقت یا فرقه‌ای به نام ملامتی وجود ندارد، بلکه ملامت یک روش در درون فرقه است (Belhî, Burhāneddin: XI, XII).

۲. بعضی از منابع هم آورده‌اند که عبدالقادر بلخی مدت ده سال جانشین تکیه بود (Yazici: 131) (→).



وی، در کتاب سفینه اولیاء، در مسجد حضرت خالد بر جنازه وی نماز خوانده شد (به نقل از (Belhî 1: 8, 11). تاریخ فوت او و محل اقامه نمازش، در منابع مختلف، متفاوت است (AZAMAT: 231; BELHÎ 2: 31; İNAL: 31; KOÇU: 119) →). وی را در مقبره درگاه شیخ مراد بخاری به خاک سپردند (Belhî 2: 16).

## ۲-۱ بررسی شخصیت ادبی و آثار عبدالقادر بلخی

سید عبدالقادر بلخی به زبان‌های ترکی، عربی، فارسی و جغتایی تسلط کامل داشت (Belhî, Burhāneddin: 23). بعضی از اشعارش به جغتایی است<sup>۱</sup> و در بعضی دیگر، کلمات ترکی جغتایی به کار رفته است. در تحریر نستعلیق مهارت زیادی داشت و چندین لوحه به تعلیق از خود برجای گذاشته است. عبدالقادر در بین صوفیان قرن بیستم از جایگاه خاصی برخوردار است (KOÇU: 119) و، به گفته گولپینارلی، نوشته‌ها و آثار او کاملاً منطبق بر افکار متصوفه است (GÖLPINARLI 1: 185) و برخی او را از مهم‌ترین شاعران متصوف عهد خویش به شمار آورده‌اند (KAHRAMAN: 681; fn. 24). وی در تمام آثارش مثنوی معنوی را سرلوحه خود قرار داده و گاهی نیز به تقلید از آن شعر سروده و گاهی هم ابیاتی از مثنوی را در آثار خود آورده است (Belhî 1: 9). تمامی آثار عبدالقادر بلخی به نظم است (AZAMAT: 232).

اشعار عبدالقادر بلخی اغلب به صورت مثنوی است و در مورد نام و تعداد آثارش اختلاف نظر وجود دارد. تعدادی از آثار او که در منابع آمده عبارت‌اند از اسرار التوحید، ینابیع الحکم، کنوز العارفین، گلشن اسرار، شمس رخشان، شمس الانوار، سنوحات الهیه و الهامات ربانیه و دیوان اشعار (YÜCER: 254, fn. 609) →). از میان این آثار، اکرم ایشین اسرار التوحید، ینابیع الحکم، کنوز العارفین، گلشن اسرار و دیوان را معرفی کرده (IŞIN: 44) → و نیهات عظمت درباره شمس رخشان، شمس الانوار و الهامات ربانیه سخن نگفته و تنها به شرح شش اثر دیگر وی پرداخته است (AZAMAT: 232) →). نزهت ارگون نیز به شمس الانوار و الهامات ربانیه اشاره نکرده است (ERGUN: 231, 232) →). تحسین یازجی آثار او را به این صورت آورده است: ینابیع الحکم

(۱۱۰۰۰ بیت)، گلشن اسرار (۶۸۷۶ بیت)، کنوز العارفین (۵۴۳۷ بیت)، اسرار التوحید (۲۳۲ بیت)، شمس رخشان (۷۷۷۷ بیت)، سنوحات (۲۲۶۰ بیت)، و دیوان (YAZICI: 131, 132) →). احمد یوکسل اؤزامره نیز همین آثار را برای او معرفی کرده و تنها تعداد ابیات ینابیع الحکم را ۱۲۰۷۱ بیت و تعداد ابیات دیوان وی را ۳۳۸۰ بیت آورده است (ÖZEMRE: 108) →). یوسف اؤز نیز همان مواردی را که تحسین یازیجی آورده ذکر می‌کند اما، به جای دیوان، نام الهامات ربانیه را می‌آورد (Öz 1: 165, 166, 167) →). نشن چاغیل، یوجه گوموش، عالیه اوزونلار و آرزو مرال نیز همین آثار را برای او برمی‌شمرند، با این تفاوت که، به جای کنوز العارفین، کنز العارفین نوشته‌اند (Bellî 2: 16).

در ادامه، از بین آثار عبدالقادر بلخی، به معرفی دیوان وی پرداخته می‌شود.<sup>۱</sup>

## ۲-۱-۱ دیوان عبدالقادر بلخی

دیوان عبدالقادر بلخی اثری است که به طور کامل شامل منظومه‌های عرفانی است. در این اثر، علاوه بر قصیده، اشعاری در قالب‌های دیگر نیز وجود دارد. البته شاعر در این دیوان به وزن و قافیه و ردیف چندان اعتنایی نکرده است. شاعر، در کنار توحید و ستایش پروردگار و منقبت‌های حضرت علی<sup>ع</sup>، گه‌گاه اشعار غنایی هم سروده است. موضوع این اشعار غنایی که صفحات کمتری را نیز در بر دارند شامل اشعار بهاریه، حسرت وطن و توصیف دنیای درونی شاعر است. تعداد ابیات دیوان در نسخه‌های مختلف یکسان نیست. منظومه<sup>۲</sup> ۲۵۷ در نسخه سلیمانیه و منظومه<sup>۳</sup> ۲۸۱ در نسخه<sup>۴</sup> ملت وجود ندارد. در نسخه<sup>۵</sup> ملت بیت پنجم از منظومه<sup>۶</sup> ۲۵۹ موجود نیست. تعداد ابیات نسخه سلیمانیه ۳۴۰۸ و تعداد ابیات نسخه<sup>۷</sup> ملت ۳۴۰۷ است. در این دیوان، که اغلب اشعار آن به زبان فارسی است، ۳۶ منظومه<sup>۸</sup> ترکی به صورت ملمع وجود دارد. همین طور در منظومه‌های ترکی نیز خصوصیات اشعار ازبکی دیده می‌شود. شاعر تخلص‌هایی چون «بلخی» (۲۲۹ بار)، «قادر حکمت» (۱۵۰ بار)، «بلخی قوندوزی» (۵۰ بار)، «قادر بلخی» (۲۳ بار)، «بلخی

۱. تصحیح انتقادی این دیوان را نگارنده انجام داده، که در سال ۱۳۹۷ در تهران توسط انتشارات هفت‌وادی به چاپ رسیده است.

قادر» (۴ بار) و «بلخی سید» (۱ بار) را به کار برده است (Bellî, Burhâneddin: 33). وی در سه منظومه این دیوان (شماره‌های ۱۴۰، ۲۲۷ و ۲۸۱) تخلص خود را نیاورده است. شاعر به وزن و قافیه اهمیت چندانی نداده، به طوری که خطای وزن در بیشتر منظومه‌ها موجود است. همچنین کم و بیش هجاها و اشکالات وزنی به تکرار دیده می‌شود (برای مثال ← منظومه‌های ۲۵، ۳۲، ۳۶). شاعر حتی در یک سروده پنج بیتی نیز قافیه را تکرار کرده است. عبدالقادر بلخی در پیدا کردن قافیه به سختی افتاده و این سختی را خود نیز به زبان آورده است (برای مثال ← منظومه ۲۶۰، بیت ۱). این اثر شامل پنندهای عرفانی است و از آنجا که هدف شاعر در دیوان بیشتر پیام‌رسانی به مردم بوده، برای انتقال افکارش، دست به تکرار زده است؛ مثلاً تکرار «اوزندن کیچمیان اولمادی عارف» (منظومه ۲۲۰، بیت ۳ و منظومه ۲۴۷، بیت ۵). ابیاتی که تفاوت‌های جزئی دارند بسیار زیاد است. یکی دیگر از خصوصیات دیوان او استفاده از کلمات هم‌معنی در مصرع به صورت عطف یا ترکیب اضافی است؛ مانند شراب/ می (منظومه ۳۱، بیت ۳ و منظومه ۹۱، بیت ۱)، اسرار/ سر (منظومه ۲۰۳، بیت ۴)، مسرور/ شادان (منظومه ۲۴۸، بیت ۲). گاهی شاعر در شعر از خودش انتقاد می‌کند و در بعضی اشعار هم، خود را تمجید می‌کند (برای مثال ← منظومه ۴۷، بیت ۸).

توضیحات شاعر ساده و واضح است و، برای اثبات افکارش، اغلب از آرایه تشبیه استفاده کرده است. او از آرایه تلمیح نیز بهره برده است، از جمله به آیات قرآن بسیار نظر دارد و به ماجرای معراج پیامبر اکرم<sup>ص</sup>، بی‌هوش شدن حضرت موسی هنگام تجلی خداوند بر کوه طور، حُسن حضرت یوسف و دم حیات‌بخش مسیح اشاره می‌کند.

شاعر عشق خاصی به حضرت علی<sup>ع</sup> دارد و در دیوان اشعارش، هشت سروده در مورد آن حضرت یافت می‌شود (منظومه‌های ۲۵، ۶۷، ۹۷، ۱۷۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۴۱، ۲۴۲). در دیوان عبدالقادر بلخی، علاوه بر لقب‌های حضرت علی<sup>ع</sup>، نام ایشان نیز ۹۸ بار آمده است.

قصاید فراوانی در مدح مرشد خود، سید بکیر رشاد سروده است، اما عبدالقادر فقط در دو جا از او نام برده است (منظومه‌های ۶۴، ۱۵۷).

شاعر، در عالم خیال، شهرهای ازبکستان را می‌گردد و پس از گشت و گذار، در نهایت به

درگاه چال بازمی‌گردد. حسرت وطن‌او را گاهی به سوی ازبکستان، بلخ، راغ (منظومه ۱۸۵، بیت ۲)، بدخشان (منظومه ۱۸۵، بیت ۳)، فیض‌آباد (منظومه ۱۸۵، بیت ۳)، و گاهی به درگاه چال (منظومه ۱۸۵، بیت ۴) می‌کشاند.

### ۳ نتیجه

عبدالقادر بلخی در سال ۱۲۵۵ق در خانقاه در اطراف شهر قندوز به دنیا آمد. در کودکی، همراه با پدر و تعدادی از مریدان پدر، به قصد فریضه حج به سمت بغداد حرکت کرد. آنها در بغداد تغییر مسیر دادند و از آنجا به قونیه و پس از آن، به دعوت سلطان عبدالعزیز، به استانبول رفتند. در استانبول تحت ارشاد سید بکیر رشاد، مرشد طریقت نقشبندیه، قرار گرفت و، پس از وی، جانشین او شد. عبدالقادر بلخی به فارسی و جغتایی شعر می‌سرود و چند مجموعه شعر به نام‌های ینابیع الحکم، کنوز العارفین، گلشن اسرار، اسرار التوحید، شمس رخشان، سنوحات الهیه و الهامات ربانیه سروده است. وی، علاوه بر اینها، دیوان شعری نیز از خود به جا گذاشته است و اساس اندیشه عبدالقادر در دیوان، عرفان محیی‌الدین ابن عربی است.

### منابع

آقا بزرگ طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲۵، چاپ سوم، بیروت ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.  
اؤز، یوسف، «نامه‌نگاری دو دوست شیخ الرئیس ابوالحسین میرزا و سید برهان‌الدین بلخی»، آینه میراث، ش ۲۳، زمستان ۱۳۸۲، ص ۱۸۵-۲۰۴.  
قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، متن و ترجمه ینابیع الموده لذوی القربی: فضایل اهل بیت در کتب اهل سنت، ج ۱، ترجمه موسی دانش، مجمع البحوث الإسلامیه، مشهد ۱۳۹۲.

Altunış, İsmail Hakki, "Hüseyin Vassaf *Sefine-i Evliya*'da Seyyid Abdülkâdir Belhî ve Ailesi-Şeyh Seyyid Abdülkâdir Efendi"; <http://ismailhakkialtuntas.com> (Erişim Tarihi: 25.05.2017).  
Ayдын, Baran, *Hankâh*, Destek Yayınları, İstanbul 2016.

- AZAMAT, Nihat, "Abdülkâdir-i Belhî (1839-1923 Nakşibendî ve Melâmî- Hamzavî Şeyhî)", *DİA*, C. I, 1988.
- BELHÎ, Abdülkâdir (1), *Esrâr-ı Tevhîd*, Neşen ÇAĞIL (Çev.), Yüce GÜMÜŞ (Haz.), Pan Yayıncılık, İstanbul 2014.
- \_\_\_\_\_ (2), *Sünûhat (Sünûhat-ı İlâhiyye ve İlhamât-ı Rabbâniye)*, Neşen ÇAĞIL (Çev.), Yüce GÜMÜŞ (Haz.), İstanbul Tasavvuf ve Musikî Araştırmaları Derneği Yayınları, İstanbul 2017.
- BELHÎ, Burhâneddin, *Defter-i Kuyûdât (Belhî Ailesine Ait Özel ve Resmî Yazışmalar)*, Aliye UZUNLAR ve Arzu MERAL (Haz.), Revak Kitabevi, İstanbul 2017.
- ER, Şaban, *Melâmîlik ve Osmânlı Devri Melâmîleri*, Kutupyıldızı Yayınları, İstanbul 2015.
- ERĞUN, Sadeddin Nüzhet, *Türk Şâirleri*, C. 1, İstanbul 1936.
- GÖLPINARLI, Abdülbâkî (1), *Melâmîlik ve Melâmîler*, Devlet Matbaası, İstanbul 1931.
- \_\_\_\_\_ (2), *Mevlânâ'dan Sonra Mevlevîlik*, 2. Baskı, İnkılâp Kitabevi, İstanbul 2006.
- \_\_\_\_\_ (3), *100 Soruda Türkiye'de Mezhepler ve Tarikatlar*, Gerçek Yayınevi, İstanbul 1969.
- IŞIN, Ekrem, "Abdülkâdir-i Belhî", *Dünden Bugüne İstanbul Ansiklopedisi (DBİA)*, C. I, İstanbul 1999.
- İNAL, İbnü'l Emin Mahmud Kemal, "Abdülkâdir Efendi", *Son Asır Türk Şairleri (Kemâlî's-Şuarâ)*, C. I, Müjgân CUNBUR (Haz.), Atatürk Kültür Merkezi Başkanlığı Yayınlığı, Ankara 1999.
- KAHRAMAN, Bahattin, "Burhaneddin-i Belhî'nin Çağatayca Şiirleri", *Turkish Studies (International Periodical for the Languages, Literature and History of Turkish or Turkic)*, vol. 4/2, 2009.
- KOÇU, Reşad Ekrem, *Abdülkadir Efendi (Şeyh)*, C.1, Neşriyat Kolektif Şirketi, İstanbul 1958.
- KURNAZ, Cemâl, *Anadolu'da Orta Asyalı Şairler*, Yargıcı Matbaası, Ankara 1997.
- ÖZ, Yusuf (1), "Afgan Türkistan Muhacirlerinden Süleyman Belhî Ailesi ve *Defter-i Kuyûdat Fihristi*", *Bilgi (Türk Dünyası Sosyal Bilimler Dergisi)*, Sa. 23, Güz - 2002.
- \_\_\_\_\_ (2), "Burhaneddin Belhî ve Türkçe Mektupları", *Edebiyat Dergisi*, Sa. 15, 2006.
- ÖZEMRE, Ahmed Yüksel, *Üsküdar'ın Üç Sırlısı*, Kubbealtı Yayınları, 6. baskı, İstanbul 2017.
- TANMAN, M. Baha, "Murâd Buhârî Tekkesi", *Dünden Bugüne İstanbul Ansiklopedisi (DBİA)*, C. v, İstanbul 1994.

VELİOĞLU, Tarık, *Osmanlı'nın Manevi Sultanları (Şeyh Edebâli'den Dede Paşa'ya)*, Kapı Yayınları, İstanbul 2017.

YAZICI, Tahsin, "Abd-al-Qader Balkî", *Encyclopaedia Iranica*, vol. I, Ehsan YARSHATER (ed.), Routledge & Kegan Paul, London 1985.

YÜCER, Hür Mahmut, *Osmanlı Toplumunda Tasavvuf (19. Yüzyıl)*, İnsan Yayınları, İstanbul 2003.

